

حزب ملت ایران

دفتر اروپائی

یکم آذر، نهمین سالگرد شهادت داریوش و پروانه فروهر

در نیمه شب سی و یکم آبان یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت خورشیدی، مأموران عالیرتبه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با یورش شبانه به خانه داریوش و پروانه فروهر رهبران حزب ملت ایران، بطور وحشیانه آن دو انسان آزادیخواه، میهن دوست و مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت را دشمنه آجین نمودند. نظامی که خود را مجری قوانین اسلامی و عدل علی معرفی می کند و هرساله در ایام ماه محرم در سوگ شهادت کربلا سیاه پوش شده و برای عزاداری تکیه ها بر پا کرده و دسته های زنجیر زنی و سینه زنی به راه می اندازد، خود دست به جنایتی زد که روی حکومت امویان را سفید کرد. لشکریان یزید به فرماندهی عمر ابن سعد در یک نبرد نابرابر امام حسین و یاران او را به شهادت رساندند ولی به آنان اجازه دفاع از خود را دادند و در این نبرد هیچ زنی را نکشتند تا چه رسد که مثله نمایند. اما فرستادگان وزارت اطلاعات نظامی که نام اسلامی بر خود نهاده است، در نیمه های شب به خانه دو انسان شریف که تنها گناهشان دفاع از آزادی و عدالت بود و عمر پربارشان را در راه سربلندی ایران عزیز و دفاع از حقوق پایمال شده فرودستان جامعه صرف نموده بودند، یورش برده و داریوش فروهر رستم زمانه را که دوران نقاقت را پس از یک عمل جراحی می گذراند غافل گیرانه و در نهایت قساوت و سنگدلی با دوازده ضربه دشمنه و پروانه فروهر گردآفرین دوران را که در بستر بیماری خوابیده بود، ددمنشانه با بیست و پنج ضربه به شهادت رساندند. باید پذیرفت که با این جنایت وحشیانه، عا شورای دیگری را در تاریخ رقم زدند بهمین مناسبت باید یکم آذر ماه را روز عزای ملی نامید و هرسال ل سیا و شان دیگری بر پا نمود.

جنایت هائی که در عرض این بیست و هشت سال انجام گرفت بس وحشتناک بوده است ولی اوج قساوت و نهایت ددمنشی را می توان در یورش به خانه فروهرها و مثله نمودن این دو مبارز نستوه مشاهده نمود. ربودن و به شهادت رساندن انسان های شریفی چون محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، مجید شریف و... رانمی توان فراموش نمود لذا باید آذرماه را نماد قرار داد و به یاد همه جانباختگان این دوران سیاه، یکم آذرماه را روزعزای ملی اعلام نمود و درکنار عاشورای مذهبی یک عاشورای ملی راهم قرار داد.

روی سخن با مسئولان حکومت اسلامی است که همچنان مرکب سرکش خود را می تازانند. آیا از سرنوشت شوم صدام حسین نباید درس عبرت گرفت؟ آیا عاقبت کار دیکتاتورها و خون آشامان تاریخ را ندیده اید که به کجا انجامیده است؟ آیا خود نمی دانید که چه برسرایران و ایرانی آورده اید؟

کشور ثروتمندی را با داشتن آن همه امکانات پیشرفت و ترقی درعرض دو دهه درگره کشورهای فقیروعقب مانده جهان در آورده و ملت با فرهنگ و تمدن ایران را ملتی خرافه پرست و تروریست به

جهانیان معرفی نموده اید. چرا باید برای جیفه دنیا و چند روزی ربا ست بر خلق خدا، هر حقی را ناحق و هر حرامی را حلال و هر جنایتی را روا دارید؟ چرا برای دوست یابی منابع ملی کشورمان را به ثمن بخش به بیگانگان واگذار می کنید؟ چرا مالکیت برحق پنجاه در صدی ایران در دریای مازندران را نادیده گرفته و در پشت درهای بسته حقوق قانونی کشورمان را زیر پا گذارده اید؟ بجای اینکه برای بیگانگان دایه مهربان تر از مادر شوید بفکر مردم ایران باشید. آیا این همه سیه روزی را در کشور خود نمی بینید؟ آیا از سرنوشت این همه کودک بی سرپرست و دختران خیابانی بی خبرید؟ آیا از بدبختی زنان سیه روزی که از زور ناچاری و فلاکت تن بخود فروشی می دهند بی اطلاع بوده و تعداد روز افزون آنان رادر کوی و برزن شهرها نمی بینید؟ آیا نمی بینید انسان هائی را که از زور بیکاری و فقر، اعضای بدن خود را به حراج می گذارند تا شکم زن و فرزندان بی گناه و گرسنه خود را چند صباحی هم که شده سیر نمایند؟ آیا بی توجه ای به آینده جوانان کشور بس نیست که آنان را به دام اعتیاد کشانده و روز به روز هم دامنه آن گسترده تر می شود؟ آیا فرار مغزها را نمی بینید و یا از جولان دادن آقازاده ها و بستگان خود غافلید که بی پروا به رانت خواری و دست برد به بیت المال ملت محروم مشغولند و به تاراج ثروت های ملی ادامه می دهند تا آنجا که هرکدام چندین نهاد مالی و پردرآمد کشور را تحت سلطه نفوذ خود درآورده و سرگرم پول پارو کردن هستند؟ کجا رفت آن مدینه فاضله و حکومت مستضعفان و عدل علی؟ بترسید از خشم ملت که از پس امروز بود فردائی.

دردود به روان پاک داریوش و پروانه فروهر رهبران دشمنه آجین شده حزب ملت ایران

درود به روان پاک شهدای راه استقلال و آزادی ایران زمین

درود بر زنان و کارگران و جوانان آزادیخواه

بستن درب زندان های سیاسی در سراسر کشور خواست ملت ایران است

چهارشنبه سی و یکم آبانماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش خورشیدی

دفتر اروپائی حزب ملت ایران